

لانه‌های عنکبوتی در مقابل پناه‌گاه بسیار محکم الهی

باقی نمی‌ماند. حتی گرفتارشدگان در لانه‌های عنکبوتی شیطان نیز به روشنی متوجه اشتباه خود می‌شوند ولی شاید همانند شیطان که استکبار کرد و حاضر نشد سجده‌ای به جای آورد، آن‌ها نیز در عین حال که می‌دانند، حاضر نمی‌شوند دست از اشتباه خود بردارند.

انسان، واقعا موجود عجیبی است! حتی به دشمن خود نیز علاقه‌مند می‌شود! به همین منظور لازم است قبل از گرفتار شدن در دام‌های شیطان و پیش از آن که علاقه به لانه‌های عنکبوتی شیطان در ما شکل گرفته و تقویت شود، برخی از ویژگی‌های امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) را بیشتر گفتگو کنیم. ویژگی‌هایی که هیچ مدعی دروغین نمی‌تواند مانند آن را بیاورد.



یکی از استراتژی‌های شیطان، ساخت لانه‌های عنکبوتی است. او برای دور ماندن انسان‌ها از آغوش پُر مهر مهربان‌ترین پدر و تنها پناهگاه که داغ‌ترین نقطه‌ی جنگ است، همه کاری می‌کند. او می‌داند تا کسی در پناه پدر قرار دارد، در حقیقت سوار بر کشتی نجات است و چنین شخصی هلاک نمی‌شود. به همین علت برای افرادی که می‌دانند از شرّ این شیطان باید به پناهگاه الهی یعنی امام زمان خود پناه ببرند، نقشه‌ای ویژه دارد. او با تراشیدن مدعیان دروغین سعی می‌کند لانه‌ی سست عنکبوت را به جای کھف حصین و پناهگاه نفوذناپذیر الهی معرفی نماید. اصلا کار شیطان، تسویل و زینت دادن است! لانه عنکبوت را به جای پناهگاه می‌فروشد!

لانه‌های عنکبوت نه تنها سُستند، بلکه در حقیقت قتلگاه و مقتل افرادی هستند که به آن‌جا پناه می‌برند! در مقابل، هر مرده دلی با قرار گرفتن در پناه امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) زنده می‌شود و تا در آن پناه قرار دارد، مصون از هلاکت است.

شیطان در بهره‌برداری از این فرصت، نهایت تلاش خود را به کار می‌بندد. آن قدر زینت می‌دهد که برخی در دام لانه‌های عنکبوتی او گرفتار می‌شوند. اما از آن سو، خداوند متعال ویژگی‌ها و خصوصیات در وجود مقدس یگانه‌ی دوران، امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) قرار داده که ذره‌ای تردید در شناخت او از مدعیان دروغین

ریشه این همه
کینه و حسادت و
دشمنی شیطان با
صراط مستقیم در
چیست!؟



صفحه ۲

نقطه داغ جنگ
کجاست!؟

صفحه ۴

نقاط ضعف شیطان

صفحه ۳

نخستین جبهه، حمله مستقیم به پایتخت

دین، آئین بندگی خداست و خداوند محور بندگی خودش را در پیروی از خلیفه خودش قرار داده است. یعنی محوری‌ترین پایه دین از بُعد اثرگذاری در سعادت آدمی، اصل اعتقاد به امامت امام معصوم منصوب برگزیده‌ی الهی است. بنابراین در این دین‌ورزی، تبعیت از ولیّی مقرر از الطاعة (یعنی کسی که اطاعت او را خداوند بر انسان واجب فرموده است) منصوب از جانب خداوند و تمسک به وجود او اهمیتی راهبردی دارد. اجرای دقیق احکام و حتی پایبندی به امور اخلاقی نیز اگر با مقاومت و گردنکشی در برابر معرفت و قبول ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) و به خصوص امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) همراه باشد، کمکی به نجات اخروی آدمی نخواهد کرد.

شیطان مانند هر فرمانده با تجربه جنگی می‌داند ضربه زدن به مرکز فرماندهی رقیب و نابودی آن، به معنای پیروزی است. اگر فرمانده را بکشند، جنگ را برنده است! این پایتخت در دوران ما کجاست؟ و یا کیست؟ در حقیقت نخستین و نزدیک‌ترین راه شیطان برای گرفتن انتقام و رسیدن به اهدافش چیزی نیست جز مبارزه با شخصیت حقیقی امام، همراه مبارزه با شخصیت حقوقی او؛ یعنی امام‌کشی در کنار امامت‌کشی.

واقعیت آن است که شیطان (لعنة الله علیه) اگر بتواند ولیّی خدا را تکه تکه می‌کند که البته فریفتگان او بارها چنین کرده‌اند. کشتن امام و به آتش کشیدن خانه وحی و حذف ولیّی الهی از تمامی صحنه‌ها به هر شکل فیزیکی یا اجتماعی، هدف اصلی و نهایی او برای جلوگیری از بندگی خداوند است. صد افسوس که در این راه، پیروزی‌هایی نیز به دست آورده است. به عنوان مثال امام حسن (علیه السلام) پیش از شهادت‌شان فرمودند: مَا مِنَّا إِلَّا مُسْتَمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ هیچ یک از ما نیست مگر این که یا با سم کشته می‌شویم یا ما را به قتل می‌رسانند. شیطان موفق شد تا همه چراغ‌های هدایت را یکی پس از دیگری با کمک شیاطین جنّ و انس یعنی برخی فرزندان پلید آدم بشکند و اگر حفظ الهی نبود، آخرین چراغ یعنی وجود مقدس امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) را هم در هم شکسته بود. شیطان می‌داند اگر چراغ هدایت از بین برود، دیگر نوری نخواهد بود که گمراهان و گم‌گشتگان نجات یابند.

آری، شیطان نمی‌تواند امام (علیه السلام) را فریب دهد ولی افرادی مثل عمر سعد را می‌تواند وسوسه کند که به هوس گندم‌ری، به جنگ با امام بروند و در یک جنگ نیابتی، شیاطین انس را مأمور این کار نماید.

به همین خاطر امیرالمومنین (علیه السلام) پس از پیروزی بر طلحه و زبیر تصریح می‌فرماید شخص شیطان اصحاب جمل را برای جنگ با حجت خدا تحریک کرده است: وَ تَوْبُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلِ حَيْثُ مَا اسْتَفَزَكُمُ الشَّيْطَانُ مِنْ قِتَالِ وَلِيِّ الْأَمْرِ وَ أَهْلِ الْعِلْمِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم). و از کار زشتی که شیطان شما را بدان واداشت از جنگ با ولیّ امر و آگاهان (علم‌نبی) پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ... توبه کنید.

حال که دست او و لشکر یانش از آخرین حجت خدا، یعنی وجود مقدس امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) کوتاه است، از راه دیگری وارد می‌شوند. یکی از این راه‌ها، ساخت امامان دروغین و مدعیان دروغین امامت و مهدویت است. یعنی ناقوس‌های گمراهی را در مقابل چراغ هدایت بر پا می‌کند.



ویژگی‌های منحصر به فرد خانه‌ی امن پدری

از ویژگی‌های اصلی امام، علم، عصمت، قدرت و نصب الهی (یعنی خداوند متعال ایشان را منصوب فرموده)

است. یکی از بهترین راه‌های شناخت امام (علیه السلام)، مراجعه به قرآن است. این قرآن است که به سمت امام (علیه السلام) هدایت می‌کند.

در فصلنامه‌های قبل، به این موضوع پرداخته شد که در آیات فراوانی خداوند متعال می‌فرماید بیان همه چیز را در قرآن قرار داده و هیچ ذره‌ای در آسمان‌های هفت‌گانه و زمین نیست مگر این که علم آن در قرآن هست. از طرف دیگر می‌فرماید قرآن کریم، آیات بسیار روشنی است که خداوند متعال آن را در سینه‌ی یک سری افراد قرار داده است. یا در حدیث ثقلین فرمودند قرآن کریم و عترت هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند. بنابراین عترت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی است که علم به همه این امور داشته باشد. کسی که ادعا می‌کند وصی و جانشین پیامبر اکرم (صلی



الله علیه و آله و سلم) و حامل علم قرآن است، بایستی به تمام آن چه در آسمان‌های هفت‌گانه و زمین است، علم داشته باشد. لاقبل باید بتواند به زبان همه مردم دنیا سخن بگوید و بشنود. آن کدام مدعی دروغین است که چنین علمی داشته باشد!؟

در این فصلنامه، به سراغ یکی دیگر از راه‌های شناخت امام (علیه السلام) از طریق قرآن کریم می‌رویم. ان شاء الله به لطف امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)، هم باعث افزایش معرفت و شناخت نسبت به امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بشود و هم به راحتی باطل بودن ادعا مدعیان دروغین مهدویت ثابت شود.

بزرگ‌ترین جنگ جهانی!

فرض کنید در وسط معرکه‌ی بزرگ‌ترین جنگ جهانی قرار دارید. جنگی که تمام دنیا را در بر گرفته است. لشکریان دشمن شما، آسمان‌ها و زمین را پر کرده‌اند. دشمن شما کینه‌ای بسیار شدید از شما به دل دارد و از تمام تلاش خود در نابودی شما استفاده می‌نماید. او امکانات و توانمندی‌های نظامی بسیار پیشرفته و فوق پیشرفته‌ای در اختیار دارد؛ به عنوان مثال

قدرت فریب شما را دارد، این امکان را دارد که مانند خون در وجود شما نفوذ نماید، در مقابل هر یک نفر از شما، او دو سرباز دارد. او می‌تواند از چشم شما پنهان باشد. همچنین قدرت شبیه‌سازی پیشرفته دارد یعنی می‌تواند به هر صورتی که بخواهد تغییر شکل بدهد و در مقابل شما ظاهر شود.

فرماندهی لشکر دشمن به دست نابغه‌ای است که هزاران سال کارش نقشه کشیدن بوده و حریف‌های تمرینی او انبیاء و اولیاء الهی بوده‌اند و بسیاری از رهبران جوامع انسانی، شاگرد او هستند. او بزرگ استراتژیست دوران است. و قصد دارد از شما انتقام بگیرد؛ انتقام کینه‌ی چند هزار ساله!

کینه‌ای که به خاطر سجده نکردن به حضرت آدم (علیه السلام) به دل گرفته است.

آری درست حدس زده‌اید! این یک داستان خیالی نیست بلکه قصه‌ی واقعی دوران ماست. شرایط کاملاً واقعی دوران ما را به تصویر کشیده است. این دشمن بزرگ، همان شیطان است.

خداوند متعال که ما و شیطان را خوب می‌شناسد بارها و بارها هشدار داده است مراقب مراتب مکر و حيله شیطان باشید. آن قدر این خطر، بزرگ است که در قرآن کریم ۸۸ مرتبه از شیطان و شیاطین در ۷۸ آیه در ۳۶ سوره نام برده است! ۱۱ مرتبه نیز نام دیگر او یعنی ابلیس آمده است. در مجموع چیزی حدود ۱۵۲ آیه از قرآن کریم به بحث معرفی شیطان، راه‌کارها و تکنیک‌های او اختصاص داده شده است. آمار بسیار عجیبی است! بارها او را به عنوان دشمن بسیار آشکار معرفی نموده و به ما امر فرموده: **إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا** (فاطر، ۶) آگاه باشید! همانا شیطان دشمن شماست. پس شما هم او را دشمن بدانید.

در روایات به مراتب بیش از این به ما هشدار داده‌اند که شیطان، خطرناک‌ترین و زیان‌بارترین دشمن پیرامونی ماست! به عنوان مثال در مواعظ و توصیه‌هایی که امام کاظم (علیه السلام) به هشام می‌فرمایند عبارت‌های بسیار مهمی در این باره وجود دارد. هشام از امام (علیه السلام) می‌پرسد: جنگ با کدام دشمن واجب‌تر و ضروری‌تر است؟ حضرت فرمودند: آن که به تو نزدیک‌تر و با تو دشمن‌تر و برای تو زیان‌بارتر است. آن که بیشتر از همه با تو دشمنی می‌کند. آن کس که با آن که به تو نزدیک است، خود را از تو پنهان می‌دارد و دیگر دشمنانت را علیه تو می‌شوراند. آن دشمن، ابلیس است که او را بر کار و سوسه دل‌ها گماشته‌اند، پس دشمنی تو با او باید سرسختانه باشد. آری ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که چنین دشمنی در کنار و بلکه همانند خون در بدن ما نفوذ می‌کند. هیچ کس به اندازه او در طول تاریخ، تجربه جنگ ندارد، قرن‌ها با میلیاردها انسان جنگیده و آن‌ها را شکست داده است. هیچ جنگی به بزرگی، گستردگی، پیشینه، اهمیت و میزان تلفات جنگ شیطان با بنی آدم نبوده و نخواهد بود. هیچ کس تا به حال به اندازه شیطان با دیگران مبارزه نکرده است. او مبارزی خستگی‌ناپذیر، بزرگ استراتژیست تمام دوران‌ها و بزرگ جنگاور تمام اعصار است.

شیطان دشمن خداست و با این امکاناتی که در اختیار دارد، عقل حکم می‌کند او و برنامه‌هایش را باید شناخت. در روایات هم چنین

موضوعی یعنی شناخت شیطان و برنامه‌ی او را واجب دانسته‌اند. جناب مفضل از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که خداوند فرمود بر بندگان ۱۰ امر را حتمی و لازم گردانیدم... نخست معرفت خودم، دوم معرفت پیامبرم را که برای هدایت مخلوقات خویش فرستاده‌ام، اعتقاد و ایمان به او و تصدیق گفتار او. سوم معرفت اولیای خویش را که همان حجت‌های من بر مخلوقاتم می‌باشند... ششم

معرفت دشمنم شیطان و شناخت ذات او و یارانش

شیطان، سرسخت‌ترین دشمن آدمی است که تا آخرین نفس ما یعنی تا لحظه‌ی جان دادن،

برای به هلاکت رساندن ما کینه‌توزانه تلاش می‌کند و لحظه‌ای ما را رها نخواهد کرد.

بزرگ‌ترین نقطه قوت شیطان، دانش و تجربه او در فریب آدمی است. و سوسه، شگرد قدرتمند و

رایج‌ترین الگوی عملیاتی شیطان است. خصوصیت رادارگریزی یا

همان پنهان بودن از چشم آدمی از دیگر ویژگی‌های اوست. نزدیک بودن در کنار ناپیدایی، هم‌نشینی

پنهان دشمن، یعنی اوج یک پروژه نفوذ! عادی شدن، فراموش شدن، احساس خطر نکردن و وجود

نزدیکی بسیار! همچنین آگاهی دقیق وی از ویژگی‌های ما از آثار این نقطه قوت شیطانی است.

یکی دیگر از ویژه‌های شیطان، قدرت شبیه‌سازی پیشرفته یا تمثّل است. یعنی شیطان می‌تواند خودش را به هر شکلی که بخواهد (به غیر از معصومین (علیهم السلام)) در بیاورد. شیطان از این نقطه‌ی قوت

استثنائی‌اش در پروژه‌های ویژه انحراف به خصوص ساخت فرقه‌های انحرافی استفاده می‌نماید. حکایت‌های متعددی وجود دارد که او با همین تکنیک افرادی را گمراه نموده و یا فرقه‌هایی را تاسیس کرده است. اگر چه او نمی‌تواند خودش را به صورت حجت‌های الهی در بیاورد، ولی ما که معصومین (علیهم السلام) را ندیده‌ایم! اگر او خودش را به صورت یک سید نورانی برای ما ظاهر نموده و ادعا کند یکی از ائمه (علیهم السلام) است، ما که اهل بیت (علیهم السلام) را ندیده‌ایم، نباید گول او را بخوریم. چه بسیار افرادی که گرفتار همین تکنیک شیطان شده‌اند و پایه‌گذار فرقه‌های زیادی شده‌اند. یعنی مثلاً شیطان خودش را به عنوان یکی از معصومین (علیهم السلام) به او معرفی کرده و او را تحریک به ساخت فرقه و گروهی نموده است.

علاوه بر این، شیطان، استاد سحر و جادو است و از این ابزار موثر برای دور کردن مردم از دین و اهل بیت (علیهم السلام) بسیار استفاده می‌نماید. وجود غریزه‌ها، هوای نفس و لذت‌جویی پایان‌ناپذیر در انسان، فرصت بزرگی را برای شیطان فراهم کرده است. او همکاران پر قدرت و پرفتنه‌ای از جنس انسان دارد که سرسپرده‌ی او هستند و از قدرت‌های باطنی و ظاهری که دارند در خدمت شیطان استفاده می‌کنند؛ چه افرادی که با فراگیری سحر و تحمل انواع ریاضت‌های شیطانی و غیر شرعی، قدرت باطنی پیدا کرده‌اند و چه رهبران و بزرگان کفر و نفاق که به رهبری جامعه رسیده و دارای قدرت ظاهری هستند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرصت مهم و بی‌ظنیری است که شیطان برای اجرای سیاست‌هایش در دوران ما به آن دسترسی دارد.

این نکات، گوشه‌ای از توانمندی‌ها و نقاط قوت شیطان است؛ از انسان شیر خام خورده در مقابل چنین دشمن خطرناکی چه چیزی برمی‌آید؟ در دنیایی که چنین موجود خطرناکی وجود دارد و این قدر گسترده کار می‌کند، آیا جای امن و پناهگاهی وجود دارد؟ آیا می‌توان دنیایی از این ناامن‌تر تصور کرد؟ در ناامنی دنیا همین بس که عموماً از این همه تهدید غافل هستیم و یا خبر نداریم و یا فراموش کرده‌ایم و یا مهم نمی‌دانیم! خدایا در مقابل این حجم از ناامنی و تهدید، به کجا بایستی پناه ببریم؟ پناه ما کجاست؟ آیا پناهی داریم؟ خدایا به تو شکایت می‌کنیم!



به ماقبل از تاریخ برمی‌گردیم! نخستین دستور آسمانی پس از آفرینش آدم (علیه السلام) و ماجرای سرپیچی شیطان را همه شنیده‌ایم: آگاه باشید! آدم ابوالبشر، ولیّ خداست. او جانشین خداوند بر روی زمین است. همه باید به فرمان الهی برای نمایش بندگی خود نسبت به پروردگارتان به او سجده کنید. وقتی شیطان از امر خداوند متعال سرپیچی کرد، خداوند متعال فرمود: **قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ** ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت از این که برای آنچه به دوستم آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر کردی یا از بلندمرتبه‌گان بودی؟

شاید به قسمت آخر این آیه کمتر توجه کرده باشیم. خداوند متعال با صراحت می‌فرماید یکی شیطان بود که سجده نکرد و گروه دیگری نیز بودند که امر به سجده نشدند و آنان نیز سجده نکردند!!! آری، بلندمرتبه‌گانی در آن جا حضور داشتند که خداوند به شیطان می‌فرماید آیا استکبار کردی یا از آن

ریشه این همه کینه و حسادت و دشمنی شیطان با صراط مستقیم در چیست؟!

یعنی وجود نورانی اهل بیت (علیهم السلام) بود! او به جای اطاعت امر خدا، سر به نافرمانی برداشت و جای آن که تسلیم امر خداوند متعال باشد، دلش سرشار از کینه نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) شد!

این که کانون داغ جنگ را در دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان او قرار داده، ریشه‌ای تاریخی و به بیان دقیق‌تر، ریشه‌ای ما قبل از تاریخ دارد! به جای آن که خودش را مقصر بداند و توبه کند و عذرخواهی نماید، گناه خود را به گردن خدا انداخت و گفت تو مرا گمراه کردی و من هم همه بندگان را گمراه می‌کنم و از آن جا بود که کینه‌توزی‌اش را با اهل بیت (علیهم السلام) آغاز کرد.

به همین خاطر است که بیشترین سرمایه‌گذاری را بر راه راست و صراط مستقیم و پیروان صراط مستقیم قرار داد. بنابراین بسیار واضح است که در دوران ما، بیشترین تمرکز را بر دشمنی با وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (مصدق اهل بیت (علیهم السلام)) و پیروان ایشان قرار داده است.

دسته عالین و بلندمرتبه‌گان هستی که سجده نکردی؟!

آیا برای شما این سوال پیش نیامده که عالین و بلندمرتبه‌گان چه کسانی هستند که خداوند متعال به آنان امر فرمود که بر آدم (علیه السلام) سجده کنند؟ ائمه (علیهم السلام) این عالین را معرفی فرموده‌اند. به عنوان مثال امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيماً لَنَا وَ إِكْرَاماً وَ كَانَ سَجُودَهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عُبُودِيَّةً وَ لِآدَمَ إِكْرَاماً وَ طَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ** خداوند تبارک و تعالی حضرت آدم (علیه السلام) را آفرید و (ذرات بدنی) ما را به رسم و دیعه در صلب او (پشتش) قرار داد و به منظور بزرگداشت و اکرام ما، به فرشتگان امر نمود که به آدم (علیه السلام) سجده کنند و این سجده در واقع عبادت خداوند عز و جل و اکرام و اطاعت آدم (علیه السلام) بود به خاطر آن که ما در پشت و صلب او بودیم!

آری، این که خداوند متعال به ملائکه و شیطان امر فرموده به حضرت آدم (علیه السلام) سجده کنند، به خاطر وجود مقدس عالین و بلندمرتبه‌گان

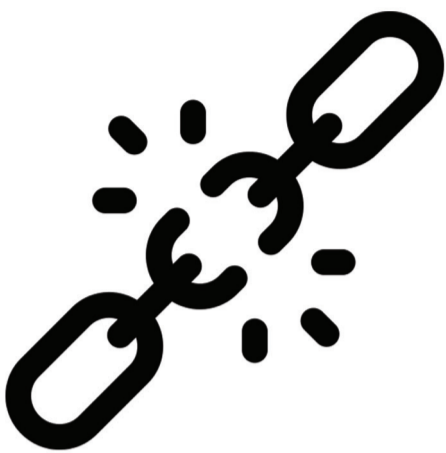
رسالت و هدف شیطان

رسالت شیطان جلوگیری هر چه بیشتر از هر گونه بندگی خداوند توسط آدمیان است. او این کار را از دوره زیر انجام می‌دهد: ۱- ایجاد حجاب بر روی حجت درونی یعنی عقل آدمی. ۲- مبارزه با حجت بیرونی الهی، یعنی حجت برگزیده او (امامت‌ستیزی، امام‌ستیزی و مهدی‌ستیزی) به استناد آیات قرآن کریم برنامه‌های شیطان در راستای دو چشم انداز است؛ ۱- گمراهی تمامی فرزندان آدم و در نتیجه هلاکت و به آتش کشاندن آن‌ها ۲- ضربه زدن و انتقام گرفتن از حجت‌های برگزیده الهی



نقاط ضعف شیطان

نقطه ضعف شیطان آن است که نمی‌تواند آدمی را مجبور و وادار به گناه و سرکشی کند. سنت الهی بر این قرار گرفته است که تا انسان نخواهد، تلاش‌ها و حیل‌های شیطان نتیجه‌ای نخواهد داشت. تمام قدرت مکاری شیطان در برابر اختیار آدمی و پشتیبانی الهی ضعیف است. شیطان نمی‌تواند انسان را مجبور و وادار به کار نماید. تسلط شیطان بر انسان در صرفاً در حد تسویل است یعنی در حد تزئین کردن افعال زشت و اغوا و وسوسه کردن. شیطان راهی غیر از این ندارد. او هرگز نمی‌تواند انسان‌ها را الزام نماید. او فقط دعوت می‌کند! این انسان است که می‌تواند به اختیار خود به دعوت و وسوسه او پاسخ مثبت یا منفی بدهد.



ویژگی‌های منحصر به فرد خانگی امن پدری

امام، یگانه‌ی دوران

خداوند متعال در آیه ۴۵ سوره آل عمران، حضرت عیسی (علیه السلام) را به عنوان یک کلمه از جانب خودش معرفی می‌فرماید: **إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ** آن‌گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خود مژده می‌دهد، که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است. این آیه نشان می‌دهد حضرت عیسی (علیه السلام)، کلمه‌ای از خداوند متعال است.

دوباره به سراغ قرآن کریم می‌رویم تا ببینیم خداوند متعال چه چیزهایی به این کلمه‌ای که از جانب خودش فرستاده داده است. در آیات متعددی برخی از ویژگی‌های این یک کلمه از کلمات اعظم الهی آمده است. مثل سخن گفتن در گهواره، به همراه داشتن کتاب آسمانی در نوزادی و... در آیه ۴۹ سوره



آل عمران به ۵ ویژگی بسیار مهم تصریح شده است: خداوند متعال، کلمه‌ی خود یعنی حضرت عیسی (علیه السلام) را این گونه معرفی می‌فرماید: **وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ** او فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل است که این ویژگی‌ها را دارد:

أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ یعنی ای مردم بدانید! سفرای الهی و فرستادگان خداوند متعال، معجزه یا همان کارت شناسایی غیرقابل جعل به همراه دارند! هر کسی که ادعا کرد مهدی موعود و فرستاده‌ی الهی است اگر معجزه را انکار کرد، بدانید او قطعاً مدعی دروغین است. ویژگی مشترک تمامی مدعیان دروغین این است که معجزه ندارند و داشتن معجزه را نیز انکار می‌کنند. بنابراین همین که یک مدعی مهدویت، معجزه را انکار کرد، قطعاً او مدعی دروغین است. او کارت شناسایی معتبر الهی ندارد!

دومین نشانه و ویژگی این است که **أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ** من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. آن کدام مدعی دروغین است که بتواند چنین کاری انجام دهد؟! چه کسی می‌تواند از گل، پرنده‌ای واقعی بسازد؟!

سومین ویژگی این است که **وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالأَبْرَصَ** کور مادرزاد و مبتلایان به برص [پسی] را بهبودی می‌بخشم؛ چه کسی می‌تواند به کور مادرزاد قدرت بینایی بدهد؟! برص یا پسی، بیماری است که هنوز درمان قطعی ندارد. آن کدام مدعی دروغین است که بتواند این بیماری را درمان نماید؟!

چهارمین ویژگی، بسیار جالب است: **وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ** و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ چه کسی می‌تواند مرده‌ای که صدها سال قبل از دنیا رفته و استخوان‌های او پوسیده و از بین رفته را با یک اشاره زنده نماید؟! این کار سفرای الهی است. با این ویژگی و قدرتی که خدا به حجت خودش داده، آیا می‌توان بهانه آورد که خدایا من در شناخت حجت تو اشتباه کردم؟!

در پنجمین ویژگی می‌فرماید: **وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ** و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ یعنی علم غیب دارم.

در پایان آیه نیز می‌فرماید **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** مسلماً در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! کسی که خود را مومن و اهل ایمان می‌داند، حق ندارد بدون

دیدن چنین نشانه‌هایی به کسی ایمان بیاورد! آن چه در این آیه بیان شد، ویژگی‌های یک کلمه از کلمات اعظم الهی است. به نظر شما آیا خداوند متعال، کلمه‌ای بزرگ‌تر هم دارد؟ پاسخ مثبت است؛ بار دیگر به سراغ قرآن کریم می‌رویم. در آیه ۱۱۵ سوره الأنعام، خداوند متعال سخن از کلمه‌ای به میان می‌آورد که تمام است! کلمه‌ی تامة! **وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** کلمه‌ی پروردگار تو، با صدق و عدل به حد تمام رسید؛ هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد و او شنوای داناست.

خداوند متعال، حضرت عیسی (علیه السلام) را تنها به عنوان کلمه‌ای از کلمات خود معرفی فرمود. ولی در این جا سخن از کلمه‌ی تامة است! اگر یک کلمه از کلمات اعظم الهی بتواند مرده زنده کند، از گل، پرنده خلق کند، کور مادر زاد و پسی را شفا دهد و از غیب خبر دهد، به نظر شما کلمه‌ی تامة کیست و چه علم و قدرتی به او عنایت شده است؟!

کلمه تامة کیست و چه علم و قدرتی دارد؟

برای این که بدانیم منظور از کلمه‌ی تامة چه کسی یا چه کسانی هستند، باز هم به سراغ قرآن می‌رویم. از خداوند متعال سوال می‌کنیم: خدایا! از کجا بدانم که منظور شما از کلمه‌ی تامة چیست؟ خداوند متعال در قرآن کریم بارها و بارها فرموده است که بیان قرآن کریم، تنها و تنها به عهده‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و جانشینان حقیقی ایشان است که علم قرآن را در سینه‌ی آن‌ها قرار داده است. به عنوان مثال در آیه ۴۴ و ۶۴ سوره نحل می‌فرماید بیان قرآن کریم تنها به عهده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. یا امیرالمومنین (علیه السلام) را در آیه مباحله (آیه ۶۱ سوره آل عمران)، نفس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می‌فرماید. یعنی هر فضیلت و کمالی که برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ثابت شد، عین آن برای امیرالمومنین (علیه السلام) نیز ثابت است مگر مواردی که استثنا شده باشد. یا در آیه ۷ سوره آل عمران می‌فرماید هیچ کسی جز خداوند متعال و راسخون در علم، حق تاویل و بیان و تفسیر کلام خداوند متعال را ندارند.

بنابراین به سراغ اهل بیت (علیهم السلام) که مفسران حقیقی قرآن می‌رویم تا این کلمه تامة را بشناسیم. در متون دینی بارها تصریح فرموده‌اند اهل بیت (علیهم السلام) همان کلمات تامة و کلمه‌ی تمام و کمال پروردگار هستند. به عنوان مثال در زیارت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌خوانیم: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ ... وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ** خدایا بر حجت خود در زمین و خلیفه‌ات در شهرهایت ... و کلمه‌ی تامة‌ات در زمین‌ات درود بفرست.

در جای دیگری می‌فرمایند: **و نحن الكلمات التامة و نحن حجة الله الكاملة على الخلق** ما اهل بیت، کلمات تامة هستیم و ما حجت کامله‌ی خدا بر خلق هستیم.

همچنین فرموده‌اند **و نحن الكلمات التي لا تدرك فضاءنا ولا تستقصى و ما آن کلماتی هستیم که فضائل ما درک نمی‌شود و به نهایت آن نمی‌رسد.**

یا این که یکی از ویژگی‌های امام (علیه السلام) را این گونه معرفی فرموده‌اند؛ وقتی امام (علیه السلام) متولد می‌شود، بین دو کتف آن بزرگوار این آیه قرآن کریم نقش می‌بندد: **وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**

بنابراین کلمه‌ی تمام و کامل پروردگار عالمیان در دوران ما کسی نیست جز وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)!

آیا قدرت خدا محدود است؟!

آیا قدرت خداوند متعال محدود است؟! قطعاً پاسخ منفی است. این قدرت مخلوق است که محدود است. یکی از مشکلات دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) همین نکته است. آنان گمان می‌کنند قدرت خداوند متعال به اندازه فهم و درک آن‌هاست. به زبان ساده می‌گویند خداوند متعال نمی‌تواند مخلوقی خلق کند که از تصور ما خارج باشد! در حالی که فهم و درک ما، محدود است. اگر کسی بگوید خداوند متعال نمی‌تواند مخلوقی خلق کند که بزرگ‌تر از توان فهم من باشد، در حقیقت قدرت خداوند

را محدود به فهم و درک خودش کرده است.

بنابراین آیا خداوند متعال می‌تواند به اهل بیت (علیهم السلام)، فضائل و کمالات و ویژگی‌هایی بدهد که خارج از تصور ما باشد؟! بله! هیچ مشکلی نیست. دست خدا باز است. هر چه بخواهد می‌آفریند و هر فضیلتی به هر کسی که بخواهد می‌دهد. همین خدا به اهل بیت (علیهم السلام) ویژگی‌هایی عنایت فرموده که خارج از تصور و درک ماست.

خداوند متعال به حضرت عیسی (علیه السلام) قدرت زنده کردن مردگان، زنده



هرگز نمی‌توانی تصویری
کچهر خوشحال شد
کودک تویی که علی بدو گفت:
«مراد صدابزن»

چه زیان کارند آنان که...

خداوند مهربان، چنین مخلوق با عظمتی را با فضائلی که در تصور ما نیز نمی‌گنجد، به عنوان امام ما قرار داده است! به فرموده‌ی امام رضا (علیه السلام)، یگانه‌ی دوران را پدر بسیار مهربان ما قرار داده! چه خدای مهربانی! امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، پدر مهربان توست! به آغوشش برگرد! تمام خواسته‌ها و نیازهای فرزند به عهده‌ی پدر است! همان گونه که بنی اسرائیل، حتی آب خوردن خودشان را از حضرت موسی (علیه السلام) درخواست می‌کردند و برادران حضرت یوسف (علیه السلام) نیز برای آموزش گناه به آن بزرگی، از پدرشان خواستند که برای آنان استغفار کند، تو نیز تمام حوائج دنیایی و آخرتی‌ات را از پدرت بگیر! ریشه‌ی همه‌ی این گرفتاری‌ها، دوری از پدر است. او پناه‌گاه محکم الهی است! او آن وجود مقدسی است بلاها به وجود او برطرف می‌گردد! و چه زیان کارند آنان که چنین پدر مهربانی را فراموش کرده و به سراغ مدعیان دروغین می‌روند. کسی که چنین لطف بزرگی را از جانب خداوند متعال نپذیرد و به سراغ مدعیان دروغین برود، به راستی سزاوار است که با صورت در آتش جهنم افکنده شود. و این سرانجام افرادی است که از ولایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خارج می‌شوند و فرد دیگری را به عنوان امام و حجت خدا می‌پذیرند. اگر یک نفر تمامی احکام الهی (مثل نماز، روزه، حج، جهاد و...) انجام دهد اما حجت خدا را انکار کند یا نسبت به او کینه داشته باشد، چنین شخصی هم گمراه است و هم گمراه کننده! چنین فردی رفیق گرمابه و گلستان شیطان است، حتی اگر خود نداند! او با این دیدگاه و تفکر داعشی، اگر خطرناک‌تر از تفکر هالیوودی نباشد، کم خطر از آن هم نیست. چه بسا حتی ممکن است تفکر داعشی، هالیوود ستیزانه هم باشد. لذا افرادی که در دام مدعیان دروغین مهدویت می‌افتند، چه بدانند و چه ندانند، در صف دشمنان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفته‌اند.

برگرفته از کتاب یگانه دوران و شیطان شناسی از مجموعه‌ی محور مقدس، دکتر علیرضا مؤذن

نقطه داغ جنگ کجاست؟!



در جنگ‌ها، برخی نقاط، نقاط داغ جنگ هستند. یعنی بیشترین حجم آتش و درگیری در آن نقاط صورت می‌گیرد. جنگ شیطان با بنی آدم نیز همین گونه است.

شیطان بیشترین سرمایه‌گذاری برای انحراف و تخریب را به جوامع معتقد به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اختصاص داده است. او بیشترین نیروهای جنگی خود را در این مناطق متمرکز کرده و داغ‌ترین نقاط جبهه جنگ در برابر بنی آدم را به وجود آورده‌اند. تخریب جوامع دوستدار اهل بیت (علیهم السلام)، اولویت نخست و داغ‌ترین نقطه جنگی شیطان است. خداوند متعال می‌فرماید شیطان قسم یاد کرده که برنامه‌ی اصلی او این است که بر صراط مستقیم که همانا راه اهل بیت (علیهم السلام) است بنشیند و

آنان را منحرف نماید: لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶) ثُمَّ لَأَنْزِلَنَّ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷) شیطان گفت همانا من بر سر صراط مستقیم تو می‌نشینم. سپس از پیش رو آنان و از پشت سرشان و از چپ راست آن‌ها به سوی آنان می‌آیم و آنان را وسوسه می‌کنم و تو اکثر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت.

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ به یکی از اصحاب بزرگوار خود به نام زراره در خصوص همین آیه می‌فرماید: يَا زُرَّاءُ إِنَّمَا صَمَدٌ لَكَ وَلِأَصْحَابِكَ فَأَمَّا الْآخِرِينَ فَقَدْ فَرَّغَ مِنْهُمْ. ای زراره! شیطان فقط تو و اصحابت (شیعیان) را قصد کرده است و از دیگران فارغ شده است. خیالش از غیر شیعیان آسوده است و کمتر به آنان کار دارد.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خاص خود می‌فرماید: يَا عَبْدَ اللَّهِ لَقَدْ نَصَبَ إِلَيْسَ حَبَانَةَ فِي دَارِ الْغُرُورِ فَمَا يَقْصِدُ فِيهَا إِلَّا أَوْلِيَاءَنَا... يَا ابْنَ جُنْدَبِ إِنَّ لِلشَّيْطَانِ مَصَانِدَ يَصْطَادُ بِهَا فَتَحَامُوا شِبَاكَةَ وَ مَصَانِدَهُ! ای عبدالله! ابلیس دام‌هایش را در دنیای فریبنده فقط به قصد شکار دوستان ما پهن کرده است! ای پسر جندب! شیطان دام‌ها و شکارگاه‌هایی دارد که در آن مشغول است. پس سخت مراقب و مواظب شکارگاه‌ها و دام‌های او باشید! آری، هدف شیطان، تنها کسانی است که سوار بر کشتی نجات هستند. او با غرق شدنشان در دریای هلاکت که کار خاصی ندارد.



جهت شرکت در مسابقه بصورت آنلاین تصویر
مقابل را اسکن کنید

www.ghaempedia.ir
www.ghaempedia.com

جواب سؤالات را به شماره زیر پیامک کنید

۵۰۰۰۵۴۱۰۰۰۲۲۷

چگونه ممکن است با وجود چنین ویژگی‌هایی باز در دام مدعیان دروغین گرفتار شویم؟!